

تبیین مبانی کلامی حسن ظن در اسلام

پروین رضایی^۱، طاهره آل بویه^۲

چکیده

امروزه جنبش‌های معنوی نوین که داعیه رسیدن انسان به معنویت را دارند مثبت‌اندیشی را ابزار مهمی برای رسیدن به آرامش می‌دانند و سایر سبک زندگی خود را نیز برپایه این موضوع بنا می‌کنند که به شکل‌های مختلفی در آموزه‌های آنها و با عناوینی مانند قانون جذب، مدیتیشن و... دیده می‌شود. حسن ظن یکی از مهمترین فضائلی است که در رشد و تکامل مادی و معنوی فرد و جامعه نقش بسزایی دارد. اسلام به‌طور صریح با مسئله بدگمانی مبارزه می‌کند و به داشتن حسن ظن برای رسیدن به آرامش و رضایت خاطر دعوت می‌کند. پژوهش حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی باهدف تبیین مبانی کلامی حسن ظن در اسلام انجام شد. بنابه یافته‌های تحقیق حاضر، مبنای اصلی حسن ظن در اسلام براساس ایمان شکل می‌گیرد. به‌تبع این باور قلبی فرد می‌تواند به دوائر مهم حسن ظن، دفع ناملایمات و جذب خواسته‌هایش برسد. حسن ظن در ارتباط با خود، خداوند و هستی معنا پیدا می‌کند. بنابراین، برای رسیدن به حقیقت حسن ظن در اسلام باید جهان‌بینی انسان مشخص شود تا بتواند به فضیلت حسن ظن برسد.

واژگان کلیدی: حسن ظن، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، خداشناختی، معنویت‌های نوین.

۱. دانش‌پژوه ارشد کلام اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: parvinrezaee1992@gmail.com

Orcid: 0009-0002-8072-0667

۲. مربی گروه علمی کلام اسلامی، کارشناسی ارشد فلسفه و کلام، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

(نویسنده مسئول)

Email: T.albouyeh@gmail.Com

Orcid: 0000-0001-7662-1901

۱. مقدمه

حسن ظن از اوصافی است که در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از مسائل اخلاقی برای رسیدن به این نکته است که باید نسبت به خداوند خوش گمان بود یا مقدمه یا همراه آن است. برای مثال کسی که به تمام امور به ویژه به خداوند حسن ظن دارد و نسبت به وعده های الهی امیدوار است و به خداوند ایمان دارد به طور قطع دنبال اوصافی مانند دروغ، تهمت، غیبت، حسادت، بخل و... نمی رود. این صفت در وجود فرد باعث می شود که نه به خودش و نه به دیگران ظلمی نکند. از طرف دیگر، اعمال ناچیز انسان هیچ گاه به تنهایی نمی تواند باعث نجات انسان شود؛ زیرا ممکن است تمام اعمال انسان در اثر یک غفلت از بین برود. بنابراین، آنچه باعث بقا و نجات انسان می شود لطف و عنایت خداوند است و این جز با سرمایه حسن ظن حاصل نمی شود. از طرفی آنچه امروزه در غرب بانام مثبت اندیشی در قالب روشی برای رسیدن به آرامش درون با مبانی شبه علمی مانند انرژی، کوانتوم، کائنات و... تبلیغ می شود چون جهان بینی ناقصی دارد، نمی تواند گویای تبیین این مفهوم ارزشمند در سطح فرد و جامعه شود. حسن ظن و مثبت اندیشی در ارتباط با خدا، انسان و سایر مخلوقات هستی معنا پیدا می کند. بنابراین، تحقیق حاضر هم بانام مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و خداشناختی بررسی می شود. تاکنون کتاب مستقل، پایان نامه و یا مقاله ای با این نام نوشته نشده است، هرچند در برخی پژوهش ها با دغدغه و هدفی مشابه تحقیق صورت گرفته است، اما با رویکرد و ابعادی متفاوت. بیشتر پژوهش ها در رابطه با حسن ظن و مثبت اندیشی ناظر به بعد اخلاقی و حدیثی یا جنبه روان شناسی آن است.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. حسن ظن

در لغت نامه دهخدا آمده است: «حسن ظن [حُ نَ ظًا] (ترکیب اضافی، مرکب) حسن نیت، نیک اندیشی، مقابل سوء نیت، خوش گمانی، نیکوگمانی و آن حالتی است که آدمی با آن مطمئن

باشد و متوقع خیر باشد». (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۵۴۱) حسن ظن در تعریف اصطلاحی، نیک‌انگاری نسبت به خدا، فعل و انفعالات جهان هستی و گفتار و کردار انسان‌ها، خوش‌بینی، مثبت‌نگری یا به تعبیر روایات اسلامی، حسن ظن نام دارد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ۱۳۴/۲).

۲-۲. مثبت‌اندیشی

از مفاهیم مرتبط با حسن ظن واژه مثبت‌اندیشی است. مثبت‌اندیشی از دو واژه مثبت و اندیشه تشکیل شده است. واژه مثبت به فتح باء به معنای خلاف منفی، آنچه منفی نباشد، مقابل منفی و آنچه به طریق اثبات باشد (معین، بی‌تا، ص ۲۶۳۲) آمده است. اندیشیدن در فرهنگ‌های لغت به معنای فکرکردن و اندیشه کردن، خیال کردن و پنداشتن، فکر و خیال کردن، تأمل کردن، تصور کردن، پنداشتن، ظن بردن، توهّم کردن، یاد کردن، یاد آوردن و در فکر تهیه چیزی بودن، است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۵۴۱). همچنین به معنای تفکر، فکر، تأمل، ترس، بیم، اضطراب (معین، بی‌تا، ص ۳۲۶) آمده است. مثبت‌اندیشی در روان‌شناسی این‌گونه تعریف می‌شود: «به معنای داشتن دیدی مثبت، نگرشی شادمانه به زندگی، انجام رفتارهای مثبت و برقرار کردن ارتباط مثبت با دیگران» (کویلیام، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

۳. مبانی حسن ظن

ایمان، ترکیبی از شناخت و گرایش است و جایگاه آن، نفس (قلب) انسان است، پس از این راه شوق و اراده انسان را سمت‌وسو می‌دهد و رفتاری متناسب با خود را بروز می‌دهد. ایمان، بینش ویژه‌ای از خالق و مخلوق و ارتباط انسان با موجودات عالم ارائه می‌کند. این بینش و گرایش‌های درونی هرکدام زمینه‌ساز رفتارهای انسان در ارتباط با خداوند و ارتباط انسان با خود و دیگران می‌شوند. (موسوی‌نسب، ۱۳۸۵، ص ۶۰) حسن ظن، داشتن نگرش مثبت منوط به ایمان شخص است و به میزان ایمان فرد درجات مختلفی پیدا می‌کند. نبود ایمان باعث سوءظن و منفی‌نگری می‌شود. از آنجاکه حسن ظن در ارتباط با خود، خداوند و سایر مخلوقات معنا پیدا می‌کند مبانی آن نیز با عناوین هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و خداشناختی مطالعه می‌شود. نوع نگرش



اسلام با رویکرد الهیاتی به این سه مقوله می‌تواند کیفیت، نوع درجه و رتبه حسن‌ظن را مشخص کند.

۳-۱. مبانی هستی‌شناختی حسن‌ظن در اسلام

۳-۱-۱. هستی مخلوق خداوند

در هستی‌شناسی اسلامی، وجود، واقعی است و تردیدی در آن راه ندارد. از دیدگاه قرآن کریم خداوند مبدأ و منشأ جهان و یگانه مالک، مدبر و رب حقیقی است و هستی، آفریننده‌ای یگانه به‌نام الله دارد. (مطهری، ۱۳۷۵، ۵۳۷/۱) همه موجودات هستی درجات و مراتب مختلفی دارند. هستی، واقعیتی عظیم، گسترده و بی‌کران است و آنچه تاکنون از آن شناخته شده ذره‌ای کوچک از این واقعیت بی‌نهایت است. در ورای طبیعت و هستی مادی (عالم طبیعت) که باوجود گستردگی اعجاب‌انگیز ظاهری، محدودیت‌های فراوانی از نظر پایان‌پذیری، ناپایداری، وابستگی و... دارد مراتب و سطوح بالاتری از واقعیت و عوالم دیگری مانند عالم مثال، عالم عقل، عالم ملکوت، جبروت و عالم عرش و کرسی و موجوداتی غیرمحمسوس مانند روح، ملائکه، جن و شیطان نیز وجود دارند. بنابراین، اساس جهان هستی مجموعه‌ای از عالم غیب و عالم شهادت (ر.ک.، حشر: ۲۲؛ بقره: ۳؛ توبه: ۱۰۵) است و جهان شهود و مادی مرتبه پایین و نازله واقعیت عالم غیب است. بر مبنای این نگرش، تصویر طبیعت‌گرایانه و مادی از هستی مردود است. اعتقاد به اینکه هستی، خالق مهربان دارد و تمام هستی، نظم و برنامه مشخصی دارد همچنین اعتقاد به اینکه هستی از درجات و مراتب مختلف تشکیل شده است که منحصر به زندگی مادی نمی‌شود به زندگی انسان معنا و هدف می‌دهد و آرمان‌ساز، شوق‌انگیز و مسئولیت‌ساز است و انسان خود را بی‌هدف و تنها و رها شده نمی‌بیند. ثمره این معرفت، امید و حسن‌ظن به کل هستی است.

۳-۱-۲. هماهنگی و نظام‌مندی هستی

از نظر قرآن کریم، هستی سیستمی است که همه موجودات جهان با نظامی هماهنگ به یک سو و به طرف یک مرکز تکامل می‌یابند. (مطهری، ۱۳۷۵، ۸۵/۲) همه جهان از آغاز تا فرجام فقط با یک

اراده الهی آن هم اراده‌ای بسیط به وجود آمده است و برای آفرینش، نظام خاص و قانون و ترتیب معینی است (ر.ک.، قمر: ۴۹-۵۰). هر حادثه‌ای با حادثه قبل از خود و با حادثه بعد از خود و هر شیء با گذشته و آینده خود بستگی دارد و این ارتباط، رشته‌ای ازلی-ابدی را به وجود می‌آورد. اصولی که اثبات این پیوستگی ضروری و عمومی بر آن متکی است عبارتند از: اصل قانون علت و معلول عمومی، اصل ضرورت علت و معلول، اصل سنخیت و ارتباط علت و معلول و اصل منتهی شدن جهان هستی به یک علت العلل. براساس سه اصل اول، جهان نظامی قاطع و غیرقابل تبدیل دارد و با ضمیمه شدن اصل چهارم یعنی، اصل توحید مبدأ است ارتباط و پیوستگی عمومی بین همه جهان استنباط می‌شود (مطهری، ۱۳۷۵، ۱/۱۲۷). بنابراین، در سراسر جهان اراده، مشیت و نظم واحدی مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد جهان یک قانونی است (ر.ک.، انبیا: ۲۲) نه دوکانونی و چندکانونی (مطهری، ۱۳۷۵، ۲/۹۶). ازسوی دیگر، هیچ حرکتی در هستی بدون تعامل با اجزای دیگر آن انجام نمی‌شود. عوالمی در ماورای دنیا وجود دارد که منشأ و سرچشمه موجودات مادی است و فعل و انفعالات موجود در دنیا و موجودات آن تابعی از فعل و انفعالات موجود در جهان‌های آسمانی است و ایجاد اثری در جهان مادی سبب تأثیر در نقاط دیگر ماورایی می‌شود و آثار جدیدی در جهان مادی پدید می‌آورد.

کل این تعاملات شبکه واحدی را تشکیل می‌دهد که به صورت سیستمی منسجم و یکپارچه برای تحقق هدفی در ارتباط است. (اخلاقی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱) براین اساس، دانستن این مبنا از هستی‌شناسی در مثبت‌اندیشی و حسن ظن انسان تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا او می‌داند که تمامی هستی زیبا آفریده شده است و جهان براساس نظم و قوانین مشخصی خلق شده و کوچک‌ترین اعمال و انتخاب انسان حتی افکار او می‌تواند بر این هستی هدفمند و منظم تأثیر بگذارد و تأثیر بپذیرد. همچنین باید متوجه باشد که چون عالم ماده تراحمات است و سهم زیادی از مشکلات بازتاب اعمال خود انسان است، پس نباید نگاهش به هستی منفی و بدبینانه شود، بلکه می‌تواند با تغییر در نگرش و بهره‌مندی از قوای هستی برای رسیدن به سعادت و آرامش که از نتایج حسن ظن و مثبت‌اندیشی است، تلاش کند.

در نزد عرفای اسلامی، جهان و همه ارکان آن از جماد، گیاه، حیوان و... حیات و شعور دارند. این حقیقت در درجه اول با کشف و شهود قابل درک است. توضیح وجودی این مسئله مبتنی بر وحدت وجود و رسوخ الهی در همه جهان است؛ یعنی سریان وجود و تجلی حق در ارکان مظاهر، همراه با سریان صفت کمالی آن است. به تبع سریان وجود منبسط، رقیقه‌ای از حیات، ادراک، حب و دیگر کمالات وجودی در تمام ارکان جهان سریان یافته است و در هر مظهر و مرتبه‌ای از وجود ظهور می‌یابد. شعور و حیات ارکان عالم به وسیله حواس ظاهری قابل درک نیست، بلکه برای این دریافت، کشف و شهود لازم است. (رحیمیان، ۱۳۹۷، ص ۲۲۵) توجه انسان به این اصل سبب می‌شود که انسان تمام موجودات هستی را به دیده احترام، عشق و محبت بنگرد، تمام مظاهر را جلوه‌ای از حقیقت مطلق ببیند، به آن بعد از وجود آنها بنگرد که سرشار از حیات، شعور و عشق الهی است که برای هدفی لباس هستی به تن کرده‌اند. این نوع نگاه، تمرینی می‌شود برای توحیدی نگریستن به همه چیز و سبب می‌شود هیچ چیزی جدای از خداوند دیده نشود و همه مظاهر هستی در ارتباط با خدا و در مسیر کمال و عبودیت دیده شود.

۳-۱-۴. حسن و زیبایی هستی

یکی از معانی حسن ظن، داشتن نگاه زیبا یا زیبا دیدن تمام هستی است. میل به زیبایی از امور فطری است که در وجود انسان نهاده شده است. قرآن کریم در برخی آیات به بیان آفرینش زیبایی ازسوی خداوند اشاره کرده است: «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (صافات: ۶). آیه ۲۴ سوره یونس و آیه ۶ سوره ق نیز از این آیات است. در این آیات، زیبایی خلقت هم در زمین و هم در آسمان‌ها مطرح شده است. اگر خداوند به انسان غریزه زیباجویی و زیبایابی را نداده بود فرمان به توجه به زیبایی نمی‌داد. به راستی اگر جهان هستی از نمود زیبایی خالی بود نیمی از دریافت‌های مفید انسان‌ها معدوم می‌شد. در آیات دیگر درباره نیکویی و لطف صورت‌گری الهی آمده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده: ۷)، آیه ۶۴ سوره غافر، آیه ۱۴ سوره مؤمنون، آیه ۱۳۸ سوره بقره و آیه ۱۵ و ۱۰۷ سوره اعراف. این آیات همگی بر این دلالت دارد که خداوند متعال سرچشمه

زیبایی و منبع الهام زیبایی است؛ زیرا موجودات، پرتوی از صفات جمال حضرت حق هستند. ملاصدرا ذیل آیه: «اَحْسَنُ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» می نویسد: «از آنجاکه حق تعالی درنهایت شکوه عظمت است و همه موجودات نتیجه ذات باری تعالی و پرتوی از انوار صفاتش هستند، پس تاحد امکان درنهایت حسن زیبایی و کمال هستند و چون هرآنچه آفریده براساس اقتضای حکمت الهی و ضرورت عنایت ازلی مترتب شده است، پس همه آفریده ها درنهایت حدی که درباره آنها قابل تصور است، زیبا هستند» (ملاصدرا، ۱۳۶۴، ۱۵۳/۶). بنابراین، خداوند هم زیباست و هم آفریننده زیبایی است.

۳-۱-۵. تشکیک زیبایی در هستی

براساس مبانی فلسفی و هستی شناختی ملاصدرا و عینیت وجود با زیبایی می توان گفت چون وجود مشکک است، پس زیبایی هم مشکک است. بنابراین، زیبایی های موجود در مرتبه پایین عالم هستی، رقیقه و شکل ضعیف شده زیبایی های موجود در مرتبه بالاتر هستند. هرچه مرتبه وجودی به ذات باری تعالی نزدیک می شود زیبایی هم شدیدتر و کامل تر می شود. «چه بسا اگر اهل دریافت اسرار الهی و معارف حق باشی یقین و صدیق می کنی که هر قوه و کمال و هیئت و زیبایی که در این جهان فرودست یافت می شود درحقیقت سایه ها و عکس هایی از حقایق جهان بالا هستند که تنزل پیدا کرده اند، تیره گشته و دارای جرم شده اند. بعد از آنکه پاک، صاف، منزّه از نقص و زشتی، عاری از آلودگی و متعالی از افت، عیب، خلل، سستی، هلاک و نیستی بودند» (ملاصدرا، ۱۴۴۰، ۷۷/۲). باتوجه به آنچه بیان شد، می توان گفت زیبایی کمال است، زیبایی امر عینی است، هر زیبایی در عالم پایین، سایه ای از زیبایی در عالم بالاست، زیبادیدن هستی نشان از زیبا بودن حقیقی هستی دارد و انسان همان گونه که زیبا آفریده شده است نگاه او به تمام پدیده ها و افعال و آثار هستی باید نگاهی زیبا و سرشار از حسن ظن و ایمان و عشق به خالق هستی باشد.

اعتقاد به توحید و یگانه بودن خداوند موجب می‌شود به جای آنکه انسان پیوسته به عوامل متعدد مؤثر در زندگی خود بیندیشد و از آنها بیم به دل راه دهد یا به آنها امید ببندد به یک مرجع و ملجأ چشم بدوزد. کمترین تأثیر چنین نگرشی، انسجام و تعادل میان شناخت‌ها، عواطف و اعمال در بسیاری از بخش‌های زندگی است. توحید و یگانه‌پرستی، عناصر نفس و روان آدمی را همبستگی می‌بخشد، روند قوای فکری او را برای دریافت و شناخت به طرف يك منبع، متحد و هماهنگ می‌کند و از این رهگذر، اثر ترکیبی سازنده‌ای را در شخصیت انسان بارور می‌کند. برعکس، تعدد آلهه و شرك یا تعدد منابع ترس و نفع و ضرر باعث تشتت و ازهم‌پاشیدگی روان انسان و تفرق و تقسیم قدرت آگاهی او به سمت وسوهای متعدد می‌شود (ر.ک.، زمر: ۳۳) و سرانجام نیز باعث ازهم‌گسیختگی پیوندهای شخصیت انسان و ایجاد اختلالات روانی مانند ناامیدی و افسردگی می‌شود.

اول، توحید در خالقیت

توحید در خالقیت به معنی اعتقاد به یگانگی خداوند در خالقیت است؛ یعنی آفریدگار حقیقی خداست و همه هستی مخلوق اوست. خالقیت سایر موجودات جنبه استقلالی ندارد و تابع اراده و مشیت خداوند است که به آنها افاضه وجود کرده است. آیات قرآن کریم در موارد زیادی به این موضوع اشاره دارد: «الله خالق کل شیء» (زمر: ۲)؛ «ذلکم الله ربکم خالق کل شیء لا اله الا هو فأنی تؤفکون؛ این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده هرچیزی است» (غافر: ۶۲). علامه طباطبایی، نظم موجود در عالم را دلیل بر یکتایی خالق می‌داند و می‌گوید: «خلق موجودات و تدبیر آنها دلیل بر الوهیت خداوند است، نشانه وحدت تدبیر و ولی نعمت بودن خداوند است که رب انسان و هرچیز دیگری است» (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۴۰۲/۱).



دوم) توحید در رازقیت

علامه طباطبایی در معنای رزق می‌گوید: «در ابتدا هرآنچه انسان را به غذا می‌رساند رزق نامیده می‌شد، سپس معنی رزق به هرچیزی که ما از آن نفعی می‌بریم گسترش پیدا کرد و دیگر محدود به غذا نبود. بنابراین، هر خیر و خوبی که به خلق می‌رسد رزق آنهاست مانند عزت، مال، علم، جمال و... اگرچه ندانند چه کسی به آنها داده است». (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۳/۱۳۷-۱۴۲) توحید در رازقیت به این معنی است که انسان باور کند غیر از خدای تعالی کسی روزی‌دهنده نیست و ضیق و سعه آن نیز به دست حکیمانه اوست که براساس مصالح واقعی انسان‌ها تنظیم می‌شود. وقتی انسان باور کند رازق کل هستی خداوند است و او به صلاح و فساد بندگان آگاه است و از روی مصلحت به برخی از بندگان امکانات کمتری داده و برای عده‌ای امکانات بیشتری قرار می‌دهد دلش آرام می‌گیرد و در این صورت تنها از خداوند کمک می‌طلبد. همچنین اگر باور کند که نعمت و نعمت، بیماری و سلامتی، فقر و غنا همه وسیله آزمایش الهی هستند نه دلیل تکریم او و بداند هرکسی هرچه دارد همان وسیله آزمایش اوست مهم سرفراز بیرون آمدن از آزمایش الهی است نه داشتن امکانات مادی، برای بهره بردن از این فرصت و موفق شدن در این آزمون تلاش می‌کند و رشد بیشتری نصیب او می‌شود. بنابراین، نگاه توحیدی به رازقیت خداوند سبب می‌شود که انسان فقط به خداوند اعتماد کند، در سختی‌های زندگی ناامید نشود و با روحیه‌ای مثبت‌اندیش به تلاش و کسب روزی بپردازد.

سوم) توحید در مالکیت

مالکیت به معنای دارایی و صاحب چیزی بودن است و آن یا حقیقی است یا اعتباری. مالکیت اعتباری با معاملات و قراردادهای شکل می‌گیرد مانند مالکیت انسان نسبت به خانه، کفش و لباس، اما مالکیت حقیقی امری تکوینی و واقعی است و مالک حقیقی است که صاحب چیزی است و حق تصرف به صورت حقیقی برای اوست. این مالکیت در جهان هستی منحصر به خدای متعال است و توحید در مالکیت هم به این معناست که در بینش نظری توحیدی، جهان هستی از مجرد و مادی، فرشته و انسان، آسمان و زمین، آب و هوا و هرچیز دیگری که نام موجود بر آن نهاده

شود ملک خداست. بینش توحیدی حکم می‌کند همان‌طور که انسان، خداوند را خالق خود می‌داند او را مالک و صاحب خود نیز بداند. (بداشتی، ۱۳۹۲، صص ۱۸۸) از نتایج ایمان به مالکیت خداوند بر تمام هستی، صبر در برابر مصیبت‌هاست؛ زیرا او می‌داند که همه چیز برای خداست و اگر بنابه ضرورت زندگی در این دنیا ملکی برای خود درست کرد و صاحب اموال و دارایی شد تمام اینها اعتباری است. بنابراین، اگر این دارایی‌ها روزی براساس مصالحی از او گرفته شد دیگر اندوهگین و افسرده نمی‌شود و نسبت به خداوند سوءظن پیدا نمی‌کند، بلکه همواره امیدش به خداست و به تمام داشته‌هایش نگاهی ابزاری دارد که چند روزی برای رسیدن به سعادت و کمال اخروی به امانت سپرده شده است.

چهارم) توحید در ربوبیت

حقیقت رب یعنی، تنظیم اشیاء و تدبیر امورات آن به‌طوری که به کمال مطلوب خود برسند و توحید در ربوبیت یعنی، اعتقاد به اینکه تدبیر عالم به‌دست خداوند متعال است و اسباب و مسببات تمام جنود، خداوند سبحان است که به‌امر خدا و مشیت او فعلی را انجام می‌دهند. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۶، ۷۱/۱) نتیجه اینکه شناخت و تفکر در صفات و افعال خداوند در ایجاد حسن‌ظن بسیار مؤثر است. خداوند در اسلام، حقیقتی یگانه و وصف‌ناپذیر معرفی شده است که همه خوبی‌ها و کمالات را دارد و هیچ‌گونه نقص و عیبی در او راه ندارد. توجه به این صفات و کمالات به‌صورت مستقیم، امید و نشاط را در انسان ایجاد می‌کند و باعث نگرش مثبت او به زندگی و جهان اطراف و حوادث موجود در آن می‌شود.

۳-۳. مبانی انسان‌شناختی حسن‌ظن در اسلام

انسان بدون شناخت نسبت به حقیقت خود هرگز از زندگی انسانی خود بهره‌ای نخواهد برد هرچند از لذات مادی و شهوانی هم برخوردار باشد. هرچه شناخت انسان نسبت به خودش عمیق‌تر باشد معرفتش به خداوند بیشتر می‌شود در نتیجه ارتباطش با خداوند و سایر مخلوقات و همچنین خودش بهبود پیدا می‌کند و حسن‌ظن در زندگی‌اش محقق می‌شود. بالعکس هرچه

شناخت انسان نسبت به خودش سطحی‌تر باشد به درک سطحی‌تری از حقیقت می‌رسد و به همان میزان اموری را مثبت تلقی می‌کند که ممکن است با هویت و حقیقت اصیل او که همان روح الهی است در تعارض باشد. با توجه به مقدماتی که بیان شد این نتیجه حاصل می‌شود که حسن ظن درواقع نگاه صحیح و بینش و شناخت عمیق نسبت به انسان است.

۳-۳-۱. فطرت

در نظریه رایج دانشمندان اسلامی، ماهیت انسان همان هسته باطنی اوست که فطرت نامیده می‌شود و در تنظیم حیات انسانی و به‌کارگیری قوای عقلانی و تجربی و استمداد از کلام و حیانی نقش اصلی و محوری ایفا می‌کند. فطرت که جوهره انسان است اصول ارزش‌های انسانی را در قالب صورت ثابت و پایدار در طول زمان‌ها حفظ می‌کند و با وسعت همه‌جانبه‌اش دغدغه و مخاطره انسان نسبت به جوانب شناخته‌شده و ناشناخته، دنیوی و اخروی و محدود و نامحدود حیاتش را همواره زنده نگه می‌دارد. با ملاحظه هردو جنبه مادی و معنوی، حقیقت جویی، عدالت‌طلبی جمال‌خواهی و زیبایی‌دوستی، پیشرفت‌خواهی، نیایش و پرستش، عشق متعالی و فضائل اخلاقی ابعاد اصلی فطرت انسان را تشکیل می‌دهد و حرکت و تغییر جوانب حیات انسانی بر محور تعمق و توسعه همه این ابعاد همراه و متناسب باهم، موافق فطرت صحیح به‌شمار می‌رود. در نگرش اسلام، فطرت، هویت وسیع و همه‌جانبه‌ای از انسان به‌دست می‌دهد و بدون نفی و انکار غرایز و خواسته‌های انسانی، تعادل و سازگاری غرایز و امور طبیعی و فراطبیعی انسان را مطرح می‌کند. انسان به‌طور فطری سه نوع گرایش اصلی دارد: حب بقا، کمال‌خواهی و لذت‌جویی و سعادت‌خواهی. (مطهری، ۱۳۷۵، ۷۳/۳) انسان براساس این گرایش‌ها تصور و فکر کرده، سپس انتخاب و اقدام و تلاش می‌کند. آموزه‌های اسلام با نشان دادن لذت حقیقی، مسیر او را برای شناخت آرزوهای برتر و تلاش برای رسیدن به آن هموار می‌کند تا انسان را به حسن ظن حقیقی برساند و از نارضایتی و شکست که بر اثر انتخاب لذت‌های دنیوی به‌وجود می‌آید، نجات دهد.

هویت و حقیقت انسان به بدن مادی و طبیعی خود، مشهود به حواس ظاهری و متغیر به دگرگونی‌های بیرونی نیست، بلکه این بدن تنها وسیله و ابزاری برای تکامل تعالی انسان از استعدادهای بالقوه و نهانی است که مفسور به آنهاست. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۳) انسان مرتبه بالاتر و بعد کامل‌تری از حیات و نفس دارد که وی را از سایر موجودات متمایز می‌کند و آن مرتبه نفس ناطقه است. آنچه موجب برتری مطلق انسان بر سایر موجودات می‌شود روح و کمالات روحی اوست. بنابراین، حقیقت انسان که از آن به «من» «تو» و «او» تعبیر می‌شود، نفس است. هویت حقیقی، انسان را بعد مجرد وی تشکیل می‌دهد که در مرتبه پایین تجرد برزخی دارد و متخیل بالفعل و عاقل بالقوه است، اما بنابر حرکت جوهری و اشتدادی می‌تواند به مرتبه تجرد عقلانی نیز ارتقا یابد و عاقل بالفعل شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۲۸۰/۲۰) و صور معقوله کلی را به همان صورت کلی و عقلی ادراک کند چنانچه خیال فقط به ادراک صور و معانی جزئی قادر است و برای ادراک کلیات، آنها را به صورت‌ها و شکل‌های محسوس و جزئی که برایش مأنوس هستند، تنزل می‌دهد. ازاین‌رو، انسان لایه سومی غیر از بعد حیوانی و بعد نفسانی است که خود خود خود است و همان ودیعه مستور الهی است که امامت فؤاد و زعامت قلب انسان را برعهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۹۲). به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی قلب قلب است که در وجود مؤمنان و پیامبران نمود یافته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۳-۳. نقش قوه خیال در حسن ظن

هر انسانی بالوجدان می‌یابد که در انجام افعال خود اراده و اختیار دارد. (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۹۷/۱) فلاسفه اولین مبدأ شکل‌گیری اراده و صدور افعال اختیاری را صورت‌های خیالی می‌دانند (طباطبایی، بی‌تا، ص ۲۳۷)؛ زیرا تا زمانی که انسان به چیزی علم نداشته باشد هیچ شوق و علمی به آن نخواهد داشت. ازاین‌رو، هنگامی که قوه خیال چیزی را تصور می‌کند اولین جرقه‌های تحریک انسان به سمت آن چیز شکل می‌گیرد (طوسی، ۱۳۹۵، ۱۷۳/۳). دراین صورت یا این تصور خیالی تصدیق عقلانی را نیز به دنبال دارد در نتیجه صدور فعل اختیاری از انسان، موافق با تعالی و



کمال حقیقی وی است (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۱۰۰/۳-۱۱۳) یا صرف تصور خیالی موجب شکل‌گیری شوق و اشتیاق مؤکد و سپس اراده بر انجام آن فعل می‌شود و هیچ تصدیق عقلانی مؤید و کمک‌کار خیال نیست. دراین حالت ممکن است عوامل گوناگونی غیر از عقل مانند شیطان، شهوت و امیال حیوانی بر خیال تأثیر بگذارند و موجب سوء اختیار و انحراف انسان از تعالی و کمال حقیقی شوند (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۱۴۹/۲) و چه بسا موجب اعتقاد به امور خرافی و باطل نیز می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۴۲۱/۱).

۴. چگونگی تأثیر وهم در خطای ذهن و ایجاد منفی‌نگری

ملاصدرا در چرایی تأثیر وهم در خطاهای ذهنی این‌گونه توضیح می‌دهد: «خداوند دارای دو صفت متقابل لطف و غضب است که هرکدام از این صفات در عالم، مظهری دارد: ملک و شیطان. این دو (ملک و شیطان) اسباب خداوند در دگرگونی قلوب انسان‌ها هستند. از آنجا که قلب انسان‌ها دارای دو وجه است: وجه عالی آن دروازه قلب به عالم ملکوت است و وجه سافل که دروازه قلب به عالم ملک و شهادت است ملاصدرا کیفیت تأثیر ملک و شیطان در قلب انسان را به این صورت می‌داند که هریک از این دو به نوبه خود در وجود انسان جنودی به نام عقل و وهم دارند. بدین ترتیب وهم درواقع یک شیطان بالقوه است که با تکرار افعال متناسب با خود تبدیل به شیطان بالفعل شده در قیامت بدان صورت محسوس می‌شود. بنابراین، از آنجا که قوه واهمه انسان شیطان درون و تحت تأثیر شیطان بیرونی به اقتضای طبعش از چهارچوب محسوسات فرارفته، حکم محسوسات را به غیرمحسوسات تعمیم می‌دهد. بنابراین، ادراک غیرمطابق با واقع و ادراک امور بر غیروجه آنها از ذاتیات قوه وهم است. از اینجا می‌توان به خوبی ریشه سوءظن و ایجاد منفی‌نگری در وجود انسان را یافت. از دیدگاه ملاصدرا تنها انسان‌هایی که در راه کسب دانش‌های حقیقی و پرهیزگاری تلاش کرده‌اند، می‌توانند خطورات شیطانی را از خطورات ملکی بازشناسند». (ملاصدرا، ۱۴۴۰، ۲۶۳/۱) امام سجاد علیه السلام در کتاب صحیفه سجادیه در دعای ۲۰ فراز ۱۴ به خوبی به این امر اشاره کرده است: «خداوند آنچه شیطان از آرزوهای باطل، سوءظن و

حسادت نسبت به دیگران در دل من القا می‌کند را به یاد عظمت و اندیشه در قدرت و تدبیر برضد دشمنت تبدیل کن». این فراز امام سجاد علیه السلام منشأ سوءظن را القای شیطان معرفی می‌کند و راه نجات آن را که یاد خدا و توجه به اسما و صفات او از جمله قدرت خداوند است را بیان می‌کند.

۵. کمال حسن ظن در گرو کمال عقلانی انسان

انسان لایه سومی غیر از بعد جسمانی و بعد نفسانی دارد که بعد عقلانی نام دارد. این بعد به دو دسته عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود. در عقل نظری، وهم، خیال و حس، زیرمجموعه‌های این نوع از عقل هستند که مراحل مختلف اندیشه را تشکیل می‌دهند. عقل عملی همان قوه‌ای است که کنش و رفتار آدمی را کنترل کرده و با تدبیر خود رضوان الهی را نصیب انسان می‌کند. شهوت و غضب به امر عقل عملی هستند که توسط آنها مراحل مختلف اراده شکل می‌گیرد. هماهنگ‌کننده دو شأن اندیشه (عقل نظری) و انگیزه (عقل عملی) نفس مجرد و روح ملکوتی انسان است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۵۰۵/۱۶) خیال هم بایی به ملکوت و عالم غیب دارد و هم بایی به عالم طبیعت، پس می‌تواند مانند آینه‌ای مصفا و صیقلی حقایق را به قلب انسان منعکس کند (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۷) و میان علم و عمل آدمی تطابق و سازگاری کامل برقرار کند به گونه‌ای که انسان، جهان‌دان و جهان‌دار و جهان‌آرا شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۵۰۵/۱۶). همچنین می‌تواند مانند آینه‌ای کدر و زنگارزده باشد که از هردو سمت علم و عمل یا یکی از آنها دچار نقص و کاستی شود و نتواند در قلب، چیزی از غیب را واقع و نمایان کند (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۷). با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت شخصی می‌تواند در جهاد با نفس (خیال) پیروز شود که بین عقل عملی و نظری او اتحاد و یگانگی ایجاد شده باشد و در مقام علم و عمل به ثبات عقلی و قلبی رسیده باشد. در این صورت، قوه خیال که بین حس و تعقل است، تکامل می‌یابد. از این رو، دستخوش وسوس و خطورات شیطانی و تصویرسازی‌های خیالی و وهمی (که یکی از نتایجش منفی‌نگری و سوءظن است) نمی‌شود. بنابراین، انسان اگر کمال حقیقی خود را که کمال عقل نظری و عملی است، بشناسد و بر قوای

وجودی خود احاطه و نظارت داشته باشد انتخاب‌های او براساس آن کمال حقیقی صورت می‌گیرد و درنتیجه به مثبت‌اندیشی حقیقی می‌رسد.

۶. ایمان به خداوند سبب حسن ظن و رهایی از ناامیدی

ایمان به خداوند یکتا در جایگاه جامع‌ترین مفهوم دینی در اسلام عبارت است از جاگیر شدن اعتقاد در قلب، گویی شخص باایمان به کسی که به درستی، راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده است، امنیت می‌دهد؛ یعنی به او چنان دلگرمی و اطمینانی می‌دهد که هرگز در اعتقاد خود دچار شک و تردید نمی‌شود؛ زیرا شك و تردید آفت اعتقاد و ضد آن است. به همین دلیل انسانی که به خدای سبحان ایمان می‌آورد در درونش به واسطه این ایمان، چنان اطمینان و دلگرمی حاصل می‌شود که در برابر تمام ناملایمات زندگی مقاومت و صبر می‌کند و نه تنها احساس یأس و ناامیدی نمی‌کند، بلکه به دلیل اینکه خدا را همواره ملازم و همراه خود می‌داند برای رسیدن به آینده‌ای بهتر و سرشار از موفقیت تلاش افزون‌تری می‌کند.

۶-۱. ذکر و یاد خداوند

یکی از مبانی مهم در ایجاد حسن ظن و جلوگیری از سوءظن و منفی‌نگری، ذکر و یاد خداست که سبب اطمینان قلب است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد: ۲۸). اطمینان به معنای سکون و آرامش است و اطمینان پیدا کردن یک چیز به این است که انسان با آن دلگرم و خاطر جمع شود، اینکه اطمینان دل با یاد خدا به دست می‌آید عطف تفسیری برای ایمان است درنتیجه با یاد خدا که از ایمان سرچشمه می‌گیرد اطمینان قلب حاصل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۴۸۵/۱۱) یکی از ابعاد تذکر، یادآوری نعمت‌های الهی است که عامل مهمی در ایجاد حسن ظن و مانع ایجاد یأس و منفی‌نگری است. قرآن کریم بارها به این روش یعنی، یادآوری نعمت‌های الهی سفارش می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ؛ ای مردم! نعمتی را که خدا به شما داده است، متذکر شوید» (فاطر: ۳). (ر.ک..

بقره: ۲۳۱؛ آل عمران: ۱۰۳؛ اعراف: ۶۹ و ۷۴) بنابراین، یادآوری نعمت‌های الهی آثار بسیاری در مثبت‌اندیشی و دوری از منفی‌نگری دارد که برخی از آنها عبارتند از: عشق و محبت نسبت به خداوند، امیدواری و شکرگزاری. باتوجه به آنچه بیان شد ذکر و یاد خدا از دو نظر مبنای مهم حسن ظن معرفی می‌شود: نخست، به دلیل ارتباط بین عقل نظری و عقل عملی توجه و تکرار، شناخت‌های انسان تبدیل به ایمان می‌شود و به تدریج با مراقبت‌های فکری-رفتاری تبدیل به ایمان راسخ می‌شود و ایمان به خدا نیز سبب ایجاد حسن ظن می‌شود. دوم، یادآوری نعمت‌های الهی که از مصادیق ذکر است باعث ایجاد عشق و محبت به خداوند، امید و شکرگزاری می‌شود که هریک نقش مهمی در ایجاد حسن ظن و دوری از منفی‌نگری دارد.

۶-۲. شناخت فلسفه سختی‌ها، افزایش حسن ظن

یکی از مقدمات و شرایط به وجود آمدن روحیه حسن ظن در انسان و رضایت‌مندی در برابر مقدرات خداوند، شناخت و معرفت انسان نسبت به فلسفه و معنای مصائب است. انسان‌ها در سختی‌ها بی‌تاب می‌شوند و سختی‌ها را بی‌دلیل، رنج بی‌حاصل، و اهانت‌آمیز ارزیابی می‌کنند. در تصور این افراد، مال و ثروت نشانه کرامت و محرومیت نشانه خواری است. (ر.ک.، فجر: ۱۷) آنچه موجب تشدید روان‌پریشی و یأس می‌شود همین ارزیابی‌هاست. در این ارزیابی‌ها معنای بلاها منفی تلقی می‌شود، اما آیا این ارزیابی صحیح است. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «آیا می‌پنداری خدا به هرکس چیزی داده از سر تکریم او بوده و از هرکس بازداشته از سر خوار کردن او بوده است؟! هرگز» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱۳/۲). معنای محرومیت‌ها و محنت‌ها، خواری و بی‌مقداری نزد خداوند نیست. وقتی این حقیقت برای انسان معلوم شود ناراحتی‌ها و اندوه‌ها رخت می‌بندند و رضایت و شادی و حس ظن جای آنها را می‌گیرد.

۶-۲-۱. بلا، آزمون تکامل

مهمترین معنای بلاها خاصیت رشددهندگی آنهاست. قابلیت‌های نهفته انسان در حالت آسایش و راحتی پرورش نمی‌یابند. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «زشتی‌ها مقدمه وجود زیبایی‌ها و

آفریننده و پدیدآورنده آنها هستند. در شکم گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها نیک‌بختی‌ها و سعادت‌ها نهفته است» (مطهری، ۱۳۷۵، ۱/۱۷۴) فلسفه وجود دنیا پرورش استعدادهای نهفته انسان است. اینکه دنیا مقدمه آخرت است به‌همین معناست. آخرت محل بروز قابلیت‌های پرورش یافته است. در آخرت جایی برای قابلیت‌های نهفته نیست. بنابراین، دنیا خلق شده تا کارگاهی برای پرورش استعدادها و نمایان شدن قابلیت‌ها باشد و ابزار آن نیز امتحانات و ابتلائات است.

۶-۲-۲. بلا و تطهیر گناهان

معنای دوم بلایا و شدائد، پاک کردن گناهان و لغزش‌های انسان است. ممکن است انسان دچار لغزش‌هایی شده باشد که پیامدهای تلخی به دنبال آورد. ماندن آنها برای آخرت خیلی سخت است. اگر بتوان آنها را در این دنیا تسویه کرد موفقیت ممتازی است. این کار به وسیله بلاها و شدائد صورت می‌گیرد. بلاها غیر از کارکرد تکاملی خود کارکرد دیگری نیز در زمینه پاک کردن نامه اعمال از رفتار ناصالح دارند. کسی که بلا می‌بیند بخشی از گناهان او آمرزیده می‌شود. سختی بلا سختی پاکیزه شدن است و پاکیزگی ارزش سختی‌های آن را دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هیچ رنج و درد و اندوه و حزن و غمی به مسلمان نمی‌رسد، حتی تیغی که به پای او می‌رود مگر اینکه خداوند متعال گناهان وی را به خاطر آن می‌آمرزد. بلا سخت است، ولی میوه‌ای شیرین دارد و مانند کوره‌ای است که ناخالصی‌های انسان را از بین می‌برد» (نوری طبرسی، ۱۳۶۶، ۲/۵۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره تشبیه زیبایی دارد و می‌فرماید: «مثل بنده هنگامی که دچار بیماری شدید یا تب می‌شود مثل آهنی است که داخل آتش می‌شود و در نتیجه ناخالصی آن زدوده می‌شود و خالص آن باقی می‌ماند» (متقی، ۱۴۱۹، ۳/۴۸۸).

۶-۲-۳. بلا و ترفیع درجه

معنای دیگر بلاها ترفیع درجه است. همیشه بلاها به معنای گناه کار بودن فرد نیست. گاهی خداوند برای اینکه درجه کسی را بالاتر ببرد او را مبتلا می‌کند. اینجاست که راز ابتلای انبیا و اولیای الهی مشخص می‌شود. درواقع بلایا برای آنان که مقام عصمت دارند پاک‌کننده نیست، بلکه

ترفع دهنده است. پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «همانا بلا برای ظالم، ادب کردن است و برای مؤمن امتحان و برای انبیا درجه و برای اولیا کرامت است» (شعیری، ۱۴۰۲، ص ۱۳). انسان با آموزه‌های الهی می‌تواند نگاهش را به سختی‌ها و بلاها تغییر دهد و از فلسفه و حقیقت آن آگاه شود. دانستن این موارد باعث می‌شود که انسان همواره از خدای خود راضی باشد و در سختی‌ها مأیوس نشود و بر امتحانات الهی صبر کند؛ زیرا می‌داند با صبر می‌تواند هویت اصیل خود را که زیر سایه ایمان حقیقی و حسن ظن به خدا شکل می‌گیرد، پرورش دهد. ثمره این صبر، بردباری و رضایت، رسیدن به کمال و سعادت است که خداوند وعده آن را به انسان در قرآن داده است.

۷. نتیجه‌گیری

حسن ظن، داشتن نگرشی مثبت است که بسته به ایمان شخص درجات مختلفی پیدا می‌کند. هماهنگی و نظام‌مندی هستی، شعورمندی هستی، حسن و زیبایی هستی و تشکیک زیبایی در هستی از مبانی هستی‌شناختی حسن ظن است که توجه و معرفت به این آموزه‌ها برای افزایش ایمان و حسن ظن بسیار تأثیرگذار است. اعتقاد به توحید که از مبانی خداشناختی حسن ظن در اسلام است، موجب می‌شود به جای آنکه انسان پیوسته به عوامل متعدد مؤثر در زندگی خود بیندیشد و از آنها بیم به دل راه دهد یا به آنها امید ببندد به یک مرجع و ملجأ چشم بدوزد و این سبب افزایش نگرش مثبت در انسان می‌شود. همچنین با توجه به مبانی انسان‌شناختی حسن ظن در اسلام، انسان‌هایی که در راه کسب دانش‌های حقیقی و تقوا تلاش و مجاهده کرده‌اند، می‌توانند به درستی مواضع خطورات شیطانی را از خطورات ملکی بازشناسند. کمال حسن ظن در گرو کمال قوه عقلانی انسان است. انسان اگر کمال حقیقی خود را که کمال عقل نظری و عملی است بشناسد و بر قوای خیالی و وهمانی احاطه و نظارت داشته باشد انتخاب‌های او براساس آن کمال حقیقی صورت می‌گیرد و به رضایت خاطر و مثبت‌اندیشی حقیقی می‌رسد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: انتشارات هیئت علمی دارالقرآن الکریم.
- * صحیفه سجادیه (بی تا). مترجم: انصاریان، حسین. قم: دارالعرفان.
۱. اخلاقی، حلیمه (۱۳۹۶). مبانی هستی‌شناختی سبک زندگی حیات طیبه از دیدگاه قرآن. نشریه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۸(۵)، ۳۷-۹.
۲. اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۹۲). تقریرات فلسفه امام خمینی رحمته الله علیه. قم: مؤسسه نشر و آثار امام خمینی (ره).
۳. بداشتی، علی‌اله (۱۳۹۲). توحید و صفات الهی. قم: دانشگاه قم.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). حق و تکلیف در اسلام. قم: نشر اسرا.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). رَحِیقِ مختوم. قم: انتشارات اسرا.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). توحید در قرآن. قم: اسراء.
۷. دایر، وین والتر (۱۳۸۵). وجود متعالی انسان. مترجم: آل یاسین، محمدرضا، بی جا: هامون.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. محقق: صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالشامیه.
۱۰. ربانی گلپایگانی (۱۳۹۶). عقاید استدلالی. قم: هاجر.
۱۱. رحیمیان، سعید (۱۳۹۷). مبانی عرفان نظری. تهران: سمت.
۱۲. شعیری، محمد (۱۴۰۲). جامع الاخبار. نجف: حیدریه.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر. قم: انتشارات اسلامی.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین (بی تا). نهایه الحکمه. مصحح: سبزواری، علی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۹۵). شرح اشارات و تنبیهات. قم: بوستان کتاب.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم. تهران: المطبعه العلمیه.
۱۷. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. کویلیام، سوزان (۱۳۹۵). مثبت‌اندیشی و مثبت‌گرایی کاربردی. مترجم: براتی سده، فرید، و صادقی، افسانه. تهران: رشد.
۱۹. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۲۱. معین، محمد (بی تا). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات ثامن.
۲۲. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۴). تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار.
۲۳. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۴۴۰). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه. بی جا: طلیعه نور.
۲۴. موسوی نسب، محمدرضا (۱۳۸۵). ایمان و تأثیر آن بر مبادی رفتار. نشریه معرفت، شماره ۱۰۴، ۵۵-۶۳.
۲۵. نوری طبرسی، حسین (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل و منبسط المسائل. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۶. والش، نیل دونالد (۱۳۸۵). گفت‌وگو با خدا. مترجم: تمدن، تورانداخت. تهران: دایره.